

طراحی و ساخت مقیاس تعهد اخلاقی بر اساس اندیشه‌های کانانت و لویانس

سهیلا هاشمی*، مهدی خبازی کناری**، عباس اکبری*** و صفا سبطی****

چکیده

موضوع تعهد اخلاقی از مباحث مهم و در خور توجه به‌ویژه در حوزه‌های پژوهش محسوب می‌شود. از این رو، وجود ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری این سازه، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف طراحی یک مقیاس روا و پایا به منظور بررسی تعهد اخلاقی دانشجویان انجام شده است. برای انجام این پژوهش که از نوع ابزارسازی است، تعداد ۲۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان شرکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. بر اساس مبانی نظری مرتبط با این بحث، یک مقیاس اولیه با ۳۵ سؤال تهیه و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد. برای تحلیل داده‌های به دست آمده، از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری تحلیل عاملی، ضریب همبستگی و آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی، وجود دو عامل تعهد اخلاقی معطوف به خود با ۱۳ سؤال و تعهد اخلاقی معطوف به دیگری با ۱۲ سؤال را تأیید کرد. برای بررسی روایی مقیاس، از روش روایی واگرا نیز استفاده شد که هم‌راستا با نتایج تحلیل عاملی، وجود دو بعد متمایز را تأیید کرد. پایایی مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ تأیید شد. پژوهش حاضر نشان داد که ابزار طراحی شده از کیفیت لازم بهره‌مند است و می‌توان در پژوهش‌ها از آن استفاده کرد. کلیدواژه‌ها: تعهد اخلاقی؛ خود؛ دیگری

*نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه مازندران soheilhashemi@yahoo.com

** استادیار دانشگاه مازندران

*** دانشجوی دکترا دانشگاه مازندران

**** دانشجوی دکترا دانشگاه الزهراء (س)

مقدمه

تأمل درباره کنش‌های انسان و نظام‌مند ساختن آن‌ها از موضوعاتی است که همواره در حوزه فلسفه و روان‌شناسی مورد بحث بوده است. اخلاق به مثابه حیطه‌ای کلی و جامع در ماهیت خود مشتمل بر عناصری است که می‌تواند ناظر بر کنش انسان و ارزش‌گذاری بر آن باشد. اهداف، ارزش‌ها، دغدغه‌ها و تعهدات اخلاقی در حوزه فردی و اجتماعی نشان‌دهنده آن است، صرف‌نظر از نظریه‌پردازی‌های گوناگون، حیطه درهم پیچیده‌ای است که می‌تواند بر حسب قابلیت‌های شناختی و روان‌شناختی فرد در دوره‌های مختلف رشدی، زمینه اجتماعی - فرهنگی و دوره تاریخی تجلیات گوناگون داشته باشد. به‌طور یقین جامعیت و پیچیدگی اخلاق موجب شکل‌گیری پرسش‌هایی درباره ساختار و کارکرد اخلاق شده است که پاسخگویی به آن‌ها نظریه‌پردازی‌ها و دسته‌بندی‌هایی را از سوی فلاسفه و روان‌شناسان موجب شده است. تعریف مفهوم حیطه اخلاقی بر حسب اینکه آیا اخلاق یک حوزه فردی است یا اجتماعی؟ آیا برخاسته از عقلانیت صرف یا تکوین یافته در روابط اجتماعی است یا آنکه حیطه‌های مرتبط با رشد خود و انسجام درونی و فضایل شخصی است؟ از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بوده است که همواره با پرسشگری صاحب‌نظران فلسفه و روان‌شناسی اخلاق همراه است. از همین رو، در تحلیل ماهیت اخلاق یکی از مباحث مهم دوگانه‌هایی است که از سوی فلاسفه معرفی شده‌اند. نیلسن (۱۳۹۲: ۷۱-۱۱۴) به معرفی این دوگانه‌ها پرداخته است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

(۱) اخلاق هنجاری - فرا اخلاق: اخلاق هنجاری همان قواعد اخلاقی است و فرا اخلاق نگاه از بیرون به این قواعد اخلاقی است.

(۲) سوژکتیو بودن - ابژکتیو بودن گزاره‌های اخلاقی: سوژکتیو بودن گزاره‌های اخلاقی به این امر اشاره دارد که آیا قوانین اخلاقی در ساختار ذهن کنشگر اخلاقی تعیین و تقرر پیدا کرده است یا اینکه ابژکتیو هستند، یعنی در جهان بیرون منفک و مستقل از کنشگر اخلاقی وجود دارند.

(۳) نسبی‌گرایی و کثرت‌گرایی اخلاقی - مطلق‌گرایی اخلاقی: فیلسوفان اخلاق از دیرباز در این مسأله اختلاف‌نظر داشته‌اند که آیا ما دارای یک میزان و معیار برای سنجش فعل اخلاقی هستیم یا برعکس به تناسب ساختارهای شناختی و فرهنگی و تاریخی مختلف دارای الگوهای

مختلف اخلاقی هستیم.

۴) شک‌گرایی اخلاقی - یقین‌باوری اخلاقی: شک‌گرایی در اخلاق این پرسش را مطرح می‌کند که آیا به راستی ما امری به نام اخلاق داریم. در مقابل آن‌ها کسانی هستند که اخلاق را ویژگی ذاتی انسان می‌دانند و رسیدن به یک ساختار اخلاقی در ساحات نظر و عمل را ممکن می‌دانند.

۵) طبیعت‌گرایی اخلاقی - شهودگرایی اخلاقی: طبیعت‌گرایی اخلاق مبنی بر آن است که گزاره‌های اخلاقی همانند گزاره‌های تجربی دارای عینیت بیرونی هستند، در حالی که شهودگرایان اخلاقی معتقدند که مبانی آغازین اخلاقی نه در ساحات عینیت تجربی، بلکه به‌طور شهودی در درون خویش می‌یابیم.

۶) شناخت‌گرایی اخلاقی - عاطفه‌گرایی اخلاقی: شناخت‌گرایی اخلاقی از وجود واقعیت‌های اخلاقی معین خبر می‌دهد. در حالیکه عاطفه‌گرایی اخلاقی از پیوند عمیق گزاره‌های اخلاقی با عواطف ما سخن می‌گوید نه توصیف صرف امور بیرونی.

۷) فایده‌گرایی اخلاقی - تکلیف‌گرایی اخلاقی: فایده‌گرایی اخلاقی نگاهی غیر ذات‌گرایانه به اخلاق دارد، مبنی بر اینکه جهت افعال اخلاقی، معطوف به غایت و هدفی بیرونی است؛ در حالیکه تکلیف‌گراها تأکید می‌کنند که صرف‌نظر از رخ دادن هر اتفاقی، کنشگر اخلاقی بایستی به تکلیف اخلاقی خود عمل کند.

به نظر می‌رسد آنچه که از دوگانه‌های مطرح شده می‌توان استنباط کرد، این است که آیا گزاره‌های اخلاقی تکوین یافته در ذهن فاعل شناسا یا کنشگر اخلاقی یا اموری متعین در جهان بیرونی منعزل از فاعل شناسا یا کنشگر اخلاقی است. آیا منبع صدق و کذب گزاره‌های اخلاقی در من مطلق یا عقلانیت مطلق است، عقلانیتی که واضع هنجارهای از پیش موجود است یا آنکه در پیوند با دیگری و تحقق خواسته‌های دیگری شکل می‌گیرند؟ از این رو، در همین راستا یکی از چالش‌های مهمی که در فلسفه اخلاق مطرح می‌شود، شکاف بین مسئولیت‌های فردی و مسئولیت‌های اجتماعی است. اولویت بخشیدن به هر کدام از این طرف‌های دوگانه فردی / اجتماعی به لحاظ فلسفی به کانونی باز می‌گردد که کنش‌های اخلاقی معطوف به آن شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، این دو وجه ریشه در بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دارد که نقطه عزیمت کار خویش را «من» یا «دیگری» قرار می‌دهد.

در این جهت رویکردهای فلسفی را به لحاظ هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و به تبع آن‌ها به لحاظ فلسفه اخلاق می‌توان به دو گروه عام دسته‌بندی کرد. از نمایندگان برجسته گروه اول که فلسفه خویش را معطوف به خود و فرد انسانی منعزل از معیارهای اجتماعی بیرونی بنا می‌کنند و مسئولیت در مقابل کنش خویش را مقدم بر مسئولیت اجتماعی می‌دانند، کانت را می‌توان نام برد.

کانت مفهوم امر مطلق را به عنوان مبنای اساسی برای قضاوت اخلاقی طرح می‌کند. امر مطلق نه بر مفاهیم عقل محض تکیه دارد که خارج از حدود و تعین شناختی و اخلاقی سوژه انسان است و نه بر داده‌های محض تجربی که نقش سوژه را نادیده می‌گیرد. به زعم کانت قانون اخلاقی در درون قوه فهم و درک سوژه تکوین می‌یابد و ما بی‌واسطه در لحظه کنش اخلاقی آگاه هستیم و آن را در محور عمل خویش قرار می‌دهیم؛ چنانکه امر مطلق سوژکتیو اخلاقی خودش را بر ما آشکار می‌کند و ما را مستقیماً به سوی کنش اخلاقی آزادانه، صرف‌نظر از اجبار هرگونه نیرو و غایت بیرونی سوق می‌دهد. از نظر کانت سوژه انسانی در لحظه کنش اخلاقی به هیچ وجه نباید غایتی بیرونی را انگیزه کار خویش قرار دهد. از منظر او انسان به عنوان فاعل شناسا و موجودی اندیشمند قادر است اصل کلی اخلاق را به عنوان امر مطلق در درون خویش دریابد و تجربه کند و در لحظه کنش اخلاقی به آن رجوع کند. به نظر کانت ما از قوانین اخلاقی پیروی می‌کنیم که از حیث سوژه‌گی خویش، تکوین‌کننده و خود قانون‌گذار آن هستیم و این با امر مطلق منطبق است و این به مثابه خودآئینی انسان در امور اخلاقی است. امر مطلق مشروط، نتیجه‌گرایانه و کارکردگرایانه نیست و آدمی این قانون کلی را به مثابه فرمانی برای عمل به وظیفه می‌پذیرد. منظور از کلی بودن امر مطلق این نیست که می‌توان یک دستور فردی را به کل تعمیم داد، بلکه اساساً ارزش عمل اخلاقی در هر دستوری مطابقت آن با امر مطلق بوده و این دستور مبدأ ذهنی (بر حسب عاقل بودن انسان) برای هر عمل اخلاقی است و به موجب آن تصمیم به اقدام در عمل گرفته می‌شود (کورنر، ۱۳۸۰؛ ۲۸۲-۲۷۹).

در اخلاق کانتی، فاهمه مطلق‌گرا نقش کانونی ایفا می‌کند و تمایلات عاطفی-احساسی و تفاوت‌های فرهنگی و تمایزات هنجارهای فرهنگی در آن جایی ندارد. هرمن^۱ (۱۹۹۳)، مک

1. Herman

داول^۱ (۱۹۹۶) و شرمن^۲ (۱۹۹۷) ضمن گرایش به اخلاق کانتی آن را برای کاربرد در زمان کنونی یا به طور کلی در هر زمان و مکان خاص نابسندگی تلقی می‌کنند. آن‌ها بر این باور هستند که امر مطلق کانتی به جای اینکه به طور مطلق برای همه وضعیت‌های اجتماعی به طور عام فرض شود، به یک نظرگاه برای حکم نیاز دارد. قاعده اخلاقی لازم است پیش فرضی را به مثابه بخشی از پروسه تأمل اخلاقی مقرر کند که در آن به جای اینکه شخص وظایف را از اصل مطلق استنباط کند، دستورالعملی را برای تأمل و شور و مشورت اخلاقی ارائه کند. از نظر شرمن لحاظ کردن امر مطلق اخلاق کانتی می‌تواند بهترین اندیشه‌ای باشد که ما را به سمت شیوه‌ای غیر قاعده‌مند راهنمایی کند، به شرط آنکه در آن مسأله اصلی عمومیت در اخلاق نباشد، بلکه ارجاع آن به امری عقلانی باشد که نیاز به شرایط کنونی دارد (باربر، ۲۰۰۷: ۴۳۱). اما در مقابل رویکردهای مطلق‌گرای اخلاقی نظیر اندیشه کانت، رویکردهایی شکل گرفتند که بر نقش دیگری در تکوین ساحات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و اخلاقی تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر، در برداشت متفاوت از اخلاق با محوریت «دیگری» سوژه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که در مسئولیت برای دیگری به تعالی می‌رسد. برای مثال، لویناس در دیدگاه فلسفی خود نسبت به اخلاق با برجسته کردن جایگاه «دیگری» در شکل‌گیری تعهدات اخلاق فرد، اساس اخلاق را در مسئولیت نسبت به دیگری تعریف می‌کند. مسئولیتی که مقدم بر هر نوع شناخت بوده و آغازگر روابط اجتماعی است. اخلاق در نظر لویناس به منزله تفویض خود به دیگری و پایبندی نامتقارن به توقیف منافع خود در برابر دیگری است. به طوری که خودمان را بدون قید و شرط در جای دیگری قرار بدهیم، بدون آنکه انتظار بازگشتی از او داشته باشیم. اخلاق لویناس رابطه‌ای گفت و شنودی بر اساس پاسخگویی بوده و امری اجتماعی است و نه بر اساس اطاعت از امری مطلق (جای، هند، ۲۰۱۶: ۷۲). «دیگری» از منظر او عاملی است که فرد هویت در حال گذار خود را به طور عام و هویت اخلاقی خود را به طور خاص در مجاورت با او می‌سازد؛ که بالطبع این داد و ستد اجتماعی پیش از هر قانون اجتماعی تعهدات اخلاقی فرد را نسبت به دیگری بر می‌انگیزد. لویناس بحث عقلانیت و سوژه محوری در اخلاق را به نقد می‌کشد؛ از نظر او اخلاق از مجاورت با دیگری سرچشمه

1. McDowell

2. Sherman

می‌گیرد. «مسئولیت من نسبت به دیگری از تعهد و تصمیم من آغاز نمی‌گردد» (لویناس، ۱۹۷۴؛ ۱۰)، بلکه امری پیش‌تأملی و پیش از عقل و اراده است. به بیان دیگر مسئولیت نسبت به دیگری نتیجه اندیشه‌پردازی و تأملات اخلاقی نیست، بلکه ریشه در هستی خود سوژه دارد. اخلاق چنان که مد نظر لویناس است در زندگی اجتماعی و در مجاورت دیگری و دیگران به ظهور می‌رسد. مسئولیت برای دیگری حس عدالتخواهی ما را بر می‌انگیزد به گونه‌ای که کنش اخلاقی ما نسبت به دیگری پیش از هر قانون اجتماعی واقع می‌شود. دیگری پیش از آنکه شناخته شود، یا پیش از آنکه جایگاه اجتماعی و تعلقات فرهنگی او را بدانیم، مسئولیت عدالتخواهی ما را بر می‌انگیزد و ما را به پاسخ دعوت می‌کند. پاسخگویی به مسئولیت در برابر دیگری کنشی اخلاقی است که از منطق کمک به دیگران یا انتظار عکس‌العملی مشابه از سوی دیگران پیروی نمی‌کند. این مسئولیت متفاوت از نیکوکاری است که متعاقب آن تمجید از خود یا تحسین عمومی را بر می‌انگیزد، بلکه حضور و مجاورت با دیگران را از اخلاق و مسئولیت برای دیگری و ایستادگی در برابر رنج آن‌ها آگاه می‌سازد. این بدان معناست که پیش از هر تصمیم فعالانه‌ای تحت تعهد به دیگری هستیم و این تعهد بر ما واگذار شده است (فیلیپودیک، ۲۰۱۱، ۵۹).

در مجموع موضوع استنباط‌پذیر از اندیشه کانت و لویناس آن است هر دو به عنوان نمایندگان دو نحله فکری در خصوص منبع ساخت هنجارها و اصول اخلاقی با هم متفاوت هستند، به طوری که کانت تأکید فزاینده‌ای بر عقلانیت فردی در ساخت هنجارها دارد و لویناس بر نسبی بودن هنجارها تأکید می‌کند که در پیوند با دیگری تعیین می‌یابند، اما در اینکه اخلاق نه یک امر منفصل از دنیای بیرون و دیگری، بلکه در پیوند و تعامل با دنیای اجتماعی و فیزیکی بیرون است، می‌توان به نقطه مشترکی در هر دو جهت‌گیری فلسفی دست یافت. دریدا نقطه اشتراک اخلاق کانت و لویناس را در جایی می‌بیند که قانون اخلاق کانتی به مثابه یک قانون اخلاقی جهان‌شمول برای احترام به دیگران است که بدون هیچ رحمانی تمامی افراد و انسان‌ها را در بر می‌گیرد و سوژه در تعهد به این قانون اخلاقی، خود (نیازهای نفسانی خود) را بر اساس قوای عقلی و فهم خود محدود می‌کند. این همان اخلاق لویناس است در جایی که به زعم دریدا، لویناس اخلاق را در گسست از خود و آزادی سوژه از «بازگشتن به خود» (حیات و نیازهای نفسانی خود) در پاسخ به دیگری و دفاع از حقوق او می‌انگارد

(بانکوفسکی، ۲۰۰۵: ۱۵۹).

مفهومی که کانت و لویناس را هم همجوار با هم و هم در فاصله از هم قرار می‌دهد مفهوم پاکدامنی و حفظ حرمت دیگران است. در واقع نقطه عزیمت لویناس از اخلاق کانتی همان ایده‌آل اراده پاک و منزه است و لویناس از این مفهوم ایده‌آل رهسپار اخلاق به مثابه امری واقعی و امکانی انسانی می‌گردد. این تغییر جهت از اخلاق به سمت عدالت در واقع گذر از امکان و ورود به واقعیت زندگی اجتماعی با دیگران است (هنسل، ۱۹۹۹: ۱۶۹).

با این توضیحات باید اذعان کنیم که برای هر دوی این فیلسوفان، اخلاق از اهمیت بنیادین بهره‌مند است، به طوری که کانت و لویناس هر یک به شیوه خود بر اخلاق و مفهوم انسان در وابستگی و ارتباط با دیگری تمرکز دارند، اما موضوع مورد نظر ما در این مقاله این است که ایده‌ها و مفاهیم این فیلسوفان می‌تواند برای کاربرد مفاهیم اخلاق در رابطه اجتماعی بین خود و دیگری در پیوند با روان‌شناسی نقطه عزیمتی را فراهم کند.

در روان‌شناسی امروز نیز این نقاط افتراق و اشتراک در اندیشه‌پردازی در حیطه اخلاق مشهود است. برای مثال، اخلاق عدالت در نظریه کلبیگ و نوکلبیگی‌هایی چون توریل و اخلاق مراقبت با محوریت توجه به دیگری و اخلاق نوع‌دوستانه در اندیشه گیلیگان و آیزنبرگ می‌تواند گواه این ادعا باشد که در هر دو جریان فکری منبعث از فلسفه اخلاق کانت، احترام به اشخاص مفهوم کلیدی است. به عبارت دیگر، به‌رغم تفاوت اندیشه‌های فلسفی در منبع وضع قوانین و اصول اخلاقی، دو مفهوم «خود» و «دیگری» مقولاتی در هم‌تنیده و مکمل یکدیگر هستند، به طوری که بیشتر رشدگرایان در حوزه روان‌شناسی، خود اخلاقی و عقلانیت تأمین‌کننده اصول اخلاقی را در آمیخته و در برگرفته شده در روابط اجتماعی و درک دیدگاه دیگران می‌بینند (ماشمن، ۲۰۰۵: ۶۲).

در تأیید بر عدم تمایز خود و دیگری در شکل‌گیری اخلاق، بلاسی (۱۹۸۳) به نقل از هادی و کارلو، ۲۰۱۱: ۴۹۶) از رهگذر پیوندزدن عقلانیت در قالب قضاوت اخلاقی با عمل اخلاقی و توضیح هویت اخلاقی مدلی از «خود» ارائه می‌دهد که مشتمل بر دو بعد فردی و اجتماعی است. او معتقد است پیش از انجام دادن عمل اخلاقی، قضاوت اخلاقی از مجرای مسئولیت فرد برای قضاوت کردن، عبور می‌کند. به این ترتیب که یک عمل نه تنها اخلاقی دیده می‌شود، بلکه عملی است که برای خود هم ضروری است، یعنی نوعی مسئولیت فردی که این می‌تواند

ناظر بر دو بعد نسبت با خود و دیگری باشد. او عنوان می‌کند، قضاوت‌های فرد درباره مسئولیت از ساختار خود و ثبات آن نشأت می‌گیرد و هرچه هویت ذهنی فرد رسش‌یافته‌تر باشد، درک خود بیشتر بر اساس ارزش‌ها و اهداف به طور عام و ارزش‌ها و اهداف به طور خاص قرار می‌گیرد؛ تا آنکه مبتنی بر محتوای هویت بیرونی باشد. بلاسی معتقد است ساختار هویت منبع انگیزشی برای عمل اخلاقی است. به عبارتی، درک بالا از عاملیت، ثبات خود و تعهد به شکوفایی هسته «خود» منبع قدرتمندی برای انگیزش اخلاقی و شکل‌گیری نظام‌های ارزشی هستند. لذا به هنگام یکی شدن اهداف و نظام‌های اخلاقی و نظام خود، تعهدات اخلاقی شکل می‌گیرند؛ و در این فرایند افراد تعهدات‌شان را با دغدغه‌های خود تلفیق می‌کنند و به واسطه آن کامیابی خود و دیگری را در گرو یکدیگر تصور می‌کنند.

کلبی و دامون (۱۹۹۲) به نقل از هاروی و کارلو، (۲۰۱۱) در مطالعه کیفی خود دریافتند افرادی که نمونه افراد متعهد اخلاقی هستند، نوعی وحدت بین خود و اخلاق را تجربه می‌کنند؛ به گونه‌ای که علائق و امیال شخصی‌شان با درک‌شان از خوب و بد اخلاقی یکی است. به عبارت دیگر، نمادهای اخلاقی کامیابی خود و دیگری را در تلفیق با یکدیگر می‌بینند. از این رو، شاید تعهدات اخلاقی برای چنین افرادی شخصاً ماهیت بیانگری داشته باشد یا به تعبیر واترمن (۲۰۱۱: ۳۵۷) همان فضیلت‌گرایی باشد.

چنین انسجام و یکپارچگی اهداف شخصی و اخلاقی می‌تواند به مثابه منبع قدرتمند انگیزش و تعهد اخلاقی به کار گرفته شود (فریمر و واکر، ۲۰۰۹). تعهدات اخلاقی به مثابه ایثار و انکار خود دیده نمی‌شود. در عوض، شخصیت‌ها و نمادهای اخلاقی زمان خود را نادیده می‌گیرند که از حس اخلاقی‌شان پیروی نکنند؛ لذا در انجام عمل اخلاقی، به سادگی و خودانگیخته با کم‌ترین تردید وارد عمل می‌شوند (هاروی و کارلو، ۲۰۱۱). بنابراین، تعهدات اخلاقی نه به معنای اطاعت کورکورانه از اصول و هنجارهای اخلاقی، بلکه به معنای در هم آمیختگی با ارزش‌های اخلاقی در جهت تحقق خویش‌شنی و دیگری است. فرد متعهدانه به دنبال شناخت و در یافتن خویش‌شنی است. زمانی که متعهدانه ارزش‌های وابسته به دیگری همچون رعایت حقوق و حریم افراد در روابط بین فردی، حفظ محیط زیست به منظور تداوم بقای خود و دیگری و گونه انسان را در پنداشت و بیان خود از خویش‌شنی؛ لحاظ می‌کند.

با توجه به اهمیت و ضرورت حیطة اخلاق و اندازه‌گیری جنبه‌ها و عناصر گوناگون آن به

منظور عملیاتی کردن و وارد کردن آن به حیطه‌های عملی زندگی واقعی، به رغم اندیشه‌پردازی درباره تعهد اخلاقی در حوزه فلسفه و انجام دادن مطالعات کیفی در این خصوص در حوزه روان‌شناسی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان در جهت اندازه‌گیری و عملیاتی ساختن سازه تعهد اخلاقی اقدام کرد؟ به عبارتی، در این پژوهش قصد بر این بود که با طراحی و تدوین مقیاسی کمی و آزمون برازش مدل و سنجش کفایت روانسنجی مقیاس مورد نظر دو جنبه اخلاق معطوف به خود و دیگری را در سازه تعهد اخلاقی به اندازه‌های کمی تبدیل کرد. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که آیا می‌توان ابزاری پایا و روا تهیه کرد که قادر باشد تعهد اخلاقی معطوف به خود و دیگری را از یکدیگر تفکیک کند یا خیر؟

روش

به منظور تهیه این ابزار ابتدا از متخصصان دو رشته روان‌شناسی و فلسفه خواسته شد تا طی جلساتی (۵ جلسه و حدود ۱۴ ساعت) به صورت مشترک و در تعامل با یکدیگر، ضمن بیان تعریفی روشن و کاربردی از مفهوم تعهد اخلاقی و ابعاد آن شامل تعهد اخلاقی معطوف به خود و تعهد اخلاقی معطوف به دیگری، عمده‌ترین شاخص‌ها و معیارهای مرتبط با اخلاق در این حیطه و ابعاد آن را فهرست کنند. در طی این فرایند از دانشجویان کمک گرفته شد تا دریافت خود را از جملات و پرسش‌ها بیان کنند. متخصصان روان‌شناسی و فلسفه با توجه به گویه‌های تنظیم شده و بازخوردی که از دانشجویان دریافت می‌کردند، به سمت نهایی کردن گویه‌ها و تنظیم پرسشنامه پیش رفتند که سرانجام به یک پرسشنامه اولیه با ۳۵ سؤال که بر اساس مبانی نظری ۱۵ مورد از آن‌ها بیان‌کننده تعهد اخلاقی معطوف به خود و ۲۰ مورد بیان‌کننده تعهد اخلاقی معطوف به دیگری بود دست یافتند.

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه مازندران در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی بودند که تعداد ۲۷۸ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان شرکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. به این صورت که در مرحله اول از میان دانشکده‌های مختلف، دو دانشکده به تصادف انتخاب شدند و در مرحله دوم از هر دانشکده دو کلاس درس در مقطع کارشناسی و دو کلاس درس

در مقطع تحصیلات تکمیلی انتخاب شدند و کل دانشجویان کلاس‌های منتخب به عنوان گروه شرکت‌کننده به پرسشنامه پاسخ دادند. ملاک حجم نمونه انتخابی، استناد به این باور بود که برای انجام دادن تحلیل عاملی بر روی داده‌ها، حضور حداقل ۲۰۰ نفر مورد نیاز است (بریس، کمپ، سنلگار، ۱۳۸۸). در همین رابطه پالانت (۱۳۸۹)، بیان می‌کند که حجم نمونه باید بیشتر از ۱۵۰ شرکت‌کننده باشد و نسبت حداقل ۵ شرکت‌کننده برای هر گویه یا هر سؤال رعایت شود. به شرکت‌کنندگان در پژوهش توضیح داده شد که اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها محرمانه و صرفاً در یک کار پژوهشی استفاده خواهد شد. همچنین یادآوری شد که مشارکت آن‌ها در طرح داوطلبانه است، ولی هیچیک از افراد از شرکت در طرح انصراف ندادند. تعداد هفده پرسشنامه به دلیل ناقص بودن، از مجموعه پرسشنامه‌های قابل قبول حذف شدند و در نهایت تعداد ۲۶۱ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد. از این تعداد ۲۰۸ نفر (۸۰/۶٪) از آزمودنی‌ها زن و ۵۰ نفر (۱۹/۴٪) مرد بودند. میانگین سنی دانشجویان ۲۴ سال ($S = 5/56$) با حداقل سن ۱۸ و حداکثر سن ۴۹ سال بود. از ۲۶۱ شرکت‌کننده در پژوهش ۸۴ نفر (۳۲/۲٪) دانشجوی رشته‌های علوم پایه و ۱۷۷ نفر (۶۷/۸٪) دانشجوی رشته‌های علوم انسانی بودند. همچنین ۱۶۴ نفر (۶۲/۸٪) از شرکت‌کنندگان را دانشجویان دوره کارشناسی و ۹۶ نفر (۳۷/۲٪) را دانشجویان تحصیلات تکمیلی تشکیل می‌دادند.

داده‌های آماری گردآوری شده با استفاده از روش‌های آماری تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه‌های اصلی و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

یافته‌ها

به منظور تأیید عوامل موجود در مقیاس تعهد اخلاقی معطوف به خود / معطوف به دیگری از روش تحلیل عاملی تأییدی به شیوه مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. به این دلیل از این روش تحلیل عاملی استفاده شد که تحلیل عاملی تأییدی بیان‌کننده رویکرد قیاسی است که در آن پژوهشگران از طریق پیش‌بینی پیامدی از یک چارچوب نظری، رویکرد از بالا به پایین به کار می‌گیرند. این پیامد عبارت از مشخص کردن یا فرمول‌بندی قبل از تحلیل آماری است که در آن متغیرهای اندازه‌گیری شده نشان‌دهنده عامل هستند (میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱، ص: ۶۴۰)، برخلاف تحلیل عاملی اکتشافی که بیان‌کننده یک رویکرد استقرایی است که در آن

پژوهشگران با استفاده از یک راهبرد از پایین به بالا، از مشاهده‌های خاص نتیجه می‌گیرند (میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱، ص: ۶۳۹). فرایند تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد. در ابتدا تمام گویه‌ها تحلیل شده و نتیجه بررسی شد. نتایج حاکی از این بود که دو سؤال از مجموع سؤالات، روی هیچیک از عامل‌ها بارگزاری نشده‌اند. علاوه بر این تعداد هشت سؤال نیز گرچه روی عامل پیش‌بینی شده بارگذاری شدند، اما دارای بار عاملی زیر ۰/۳۰ بودند و بنابراین از تحلیل نهایی داده‌ها حذف شدند. با حذف این تعداد از سؤالات، در نهایت ۲۵ گویه باقی ماندند که واجد کفایت لازم برای تحلیل نهایی بودند.

با رسیدن به مجموعه سؤالاتی که از کفایت لازم برخوردار بودند، تحلیل نهایی داده‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس^۱ انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مقدار ضریب KMO برای این تحلیل برابر با ۰/۸۸ است که حاکی از کفایت داده‌های گردآوری شده برای تحلیل عاملی است. مقدار آزمون کرویت بارتلت نیز برابر با ۲۹۵۹/۷ به دست آمد که از نظر آماری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$). مقدار ارزش ویژه برای تعهد اخلاقی معطوف به خود و تعهد اخلاقی معطوف به دیگری به ترتیب برابر با ۸/۱۰ و ۲/۳۲ بود و در مجموع ۴۲٪ از واریانس کل این مقیاس توسط این دو عامل ارزیابی می‌شد.

جدول ۱ نشان‌دهنده محتوای گویه‌ها، بار عاملی آن‌ها و ارزش ویژه هر یک از دو بعد تعهد اخلاقی معطوف به خود و معطوف به دیگری است. شایان ذکر است که ملاک انتخاب هر گویه برای هر یک از عوامل یا ابعاد، بار عاملی بیش از ۰/۳۰ بوده است. با توجه به اینکه سؤالات در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) تنظیم شده‌اند. بنابراین، بعد تعهد اخلاقی معطوف به دیگری با ۱۳ سؤال دارای حداکثر نمره ۵۲ و حداقل نمره ۱۳ است. همچنین، بعد تعهد اخلاقی معطوف به دیگری با ۱۲ سؤال، دارای نمره حداکثر ۴۸ و نمره حداقل ۱۲ خواهد بود.

جدول ۱: محتوای گویه‌ها و بار عاملی آن‌ها در هر یک از عوامل

ردیف	محتوای گویه‌ها	معطوف به خود	معطوف به دیگری
۱	من تلاش دارم که به تصمیم‌گیری‌های شخصی خود پایبند باشم	۰/۷۵	
۲	من تلاش می‌کنم که دلیل خواسته‌ها و تمایلاتم را بفهمم و به ارزیابی مجدد آن‌ها پردازم.	۰/۷۲	
۳	در مورد سنت‌ها و رسوم اجتماعی دقت می‌کنم که تا چه میزان و تا کجا باید از آن‌ها پیروی کنم.	۰/۷۱	
۴	من معتقدم هر فردی می‌تواند ارزش‌های اخلاقی منحصر به فردی داشته باشد.	۰/۶۳	
۵	من برای تأمین سلامت روانی خود تلاش می‌کنم.	۰/۶۲	
۶	من برای شناخت ویژگی‌های فردی خود تلاش می‌کنم.	۰/۶۲	
۷	من از مواجهه با موقعیت‌ها و تجارب جدید استقبال می‌کنم.	۰/۵۸	
۸	من خودم را با وجود ارزشیابی‌های مثبت و منفی دیگران فردی محترم و ارزشمند می‌دانم.	۰/۵۷	
۹	من برای تأمین سلامت جسمانی خود تلاش می‌کنم.	۰/۵۷	
۱۰	من به اهداف خود پایبندم حتی اگر در تضاد با اهداف دیگران باشد.	۰/۵۷	
۱۱	من وقتی در قبال دیگران مسئولیتی را می‌پذیرم که مطمئن باشم می‌توانم به آن‌ها عمل کنم.	۰/۵۶	
۱۲	من در قبال اهدافی که انتخاب می‌کنم برای به نتیجه رسیدن آن‌ها احساس مسئولیت می‌کنم.	۰/۵۴	
۱۳	من در قضاوت نسبت به اعمال خودم صرفاً از برچسب‌های اخلاقی استفاده نمی‌کنم.	۰/۳۴	
۱۴	من در انتخاب اهداف خود به پیامدهایی که برای زندگی دیگران دارند اهمیت می‌دهم.	۰/۷۴	
۱۵	به هنگام بروز بحران در روابطم با دیگران، غالباً در کنترل خشم خود موفق هستم.	۰/۷۳	
۱۶	من برای کاهش میزان خشونت افراد نسبت به یکدیگر تلاش می‌کنم.	۰/۷۰	
۱۷	اگر تصمیمات من پیامدهایی برای طبیعت و محیط زیست داشته باشد حتماً آن پیامدها را مورد توجه قرار می‌دهم.	۰/۶۹	

ردیف	محتوای گویه‌ها	معطوف به خود	معطوف به دیگری
۱۸	نه تنها می‌توانم افرادی را که به من بدی کرده‌اند ببخشم بلکه در غالب موارد می‌توانم برای آن‌ها آرزوی شادکامی هم داشته باشم.	۰/۵۶	
۱۹	دیگران را می‌بخشم به دلیل آنکه آرامش درونی‌ام را تأمین می‌کند.	۰/۵۶	
۲۰	عواطف و حالات روحی من با عواطف هم‌نوعانم در پیوند است؛ برای مثال وقتی که دیگران شاد نیستند من نمی‌توانم خیلی شاد باشم.	۰/۵۴	
۲۱	من در قبال به روز شدن ارزش‌های اجتماعی احساس مسئولیت می‌کنم.	۰/۵۱	
۲۲	من در قبال مشکلات و سختی‌های دیگران احساس مسئولیت می‌کنم.	۰/۵۰	
۲۳	من انسان‌های منظم را می‌ستایم چون قابل پیش‌بینی هستند.	۰/۴۵	
۲۴	اگر قرار است کسی مجازات شود، مجازات او باید متناسب با جرمش باشد.	۰/۴۱	
۲۵	برخی افراد در موضع قضاوت، براساس حب و بغض عمل می‌کنند که من در غالب موارد این چنین نیستم.	۰/۳۷	
	ارزش ویژه	۸/۱۰	۲/۳۲

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، بار عاملی سؤالات مرتبط با تعهد اخلاقی معطوف به خود بین ۰/۷۵ تا ۰/۳۴ و بار عاملی سؤالات مرتبط با تعهد اخلاقی معطوف به دیگری بین ۰/۷۴ تا ۰/۳۷ متغیر است.

علاوه بر تحلیل عاملی انجام شده بر روی گویه‌های مقیاس، به منظور بررسی بیشتر درباره‌ی روایی مقیاس تعهد اخلاقی، ضریب همبستگی بین نمره هر یک از ابعاد مقیاس با نمره کل مقیاس و نیز نمره هر یک از ابعاد این مقیاس با یکدیگر محاسبه شد. با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که همبستگی مقبولی بین ابعاد مقیاس با نمره کل و همبستگی نسبتاً پایین و ضعیفی بین ابعاد دوگانه مقیاس با یکدیگر وجود دارد که این نتایج گویای روایی همگرا و واگرایی عوامل شناسایی شده از مقیاس است.

جدول ۲: ضریب همبستگی عوامل با یکدیگر و با نمره کل مقیاس

شماره	عامل	۱	۲	۳
۱	نمره کل تعهد اخلاقی	۱		
۲	تعهد اخلاقی معطوف به خود	۰/۸۹**	۱	
۳	تعهد اخلاقی معطوف به دیگری	۰/۸۸**	۰/۵۰**	۱

** ضرایب در سطح $P < 0/01$ معنادار هستند.

برای بررسی میزان پایایی هر یک از ابعاد و نیز پایایی کل مقیاس از روش همسانی درونی استفاده شد. در این روش بر یکنواختی ماده‌ها یا اجزاء تشکیل دهنده یک مقیاس تأکید می‌شود. یعنی اینکه آیا همه ماده‌ها سازه زیربنایی یکسانی را اندازه می‌گیرند یا نه (پالانت، ۱۳۸۹). رایج‌ترین شاخص همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ است (دولیس، ۲۰۰۳؛ به نقل از پالانت، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر ضریب به دست آمده برای ابعاد تعهد اخلاقی معطوف به خود، تعهد اخلاقی معطوف به دیگری و نمره کل مقیاس به ترتیب عبارت بودند از ۰/۸۸، ۰/۸۵ و ۰/۹۱ که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد هر یک از ابعاد و نیز کل مقیاس از پایایی مطلوبی بهره‌مند هستند.

به منظور بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر ابعاد تعهد اخلاقی و نیز بر نمره کل تعهد اخلاقی، با استفاده از آزمون تی مستقل، نمره دانشجویان دختر و پسر در ابعاد گوناگون و نیز نمره کل مقایسه شد که نتایج در جدول ۳ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در هیچیک از ابعاد تعهد اخلاقی و نیز در نمره کل تعهد اخلاقی، به لحاظ آماری تفاوت معناداری بین میانگین نمره دانشجویان دختر با میانگین دانشجویان پسر وجود ندارد.

جدول ۳: مقایسه میانگین نمره دانشجویان دختر و پسر در عوامل مقیاس تعهد اخلاقی و نمره کل این مقیاس

عامل	گروه	میانگین	درجه آزادی	مقدار تی	P
تعهد اخلاقی معطوف به خود	دختر	۴۰/۱۱	۲۵۶	۰/۷۵	۰/۴۵
	پسر	۴۰/۷۸			
تعهد اخلاقی معطوف به دیگری	دختر	۳۵/۲۸	۲۵۶	۰/۵۴	۰/۵۹
	پسر	۳۵/۷۴			
نمره کل تعهد اخلاقی	دختر	۷۵/۴۱	۲۵۶	۰/۷۴	۰/۴۶
	پسر	۷۶/۵۶			

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که، بین میانگین نمرات دختران و پسران در ابعاد گوناگون تعهد اخلاقی و نیز نمره کل تعهد اخلاقی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تعهد اخلاقی یکی از مباحث مهم در فلسفه اخلاق و روان‌شناسی محسوب می‌شود. با مرور مطالعات انجام شده در این حوزه روشن می‌شود که عمده این مطالعات حول محور مباحث نظری است و برای کاربردی کردن این مفهوم و استفاده از آن در پژوهش‌های تجربی تلاش عمده‌ای انجام نشده است. از این رو، هدف اساسی این پژوهش طراحی ابزاری بود که به واسطه آن بتوان میزان تعهد انسان نسبت به خود و نسبت به دیگری را اندازه‌گیری کرد. برای این منظور ابتدا با عنایت به مباحث نظری، ابعاد تعهد اخلاقی در قالب دو بعد تعهد اخلاقی معطوف به خود و تعهد اخلاقی معطوف به دیگری مشخص و تعریف شد. سپس با بهره‌جستن از نظرات متخصصان فلسفه و روان‌شناسی، تلاش‌ها بر این متمرکز شد که متناسب با دو بعد تعیین شده به عنوان دو حوزه محتوایی، سؤالاتی تهیه و تدارک دیده شود. به منظور افزایش روایی محتوایی پرسشنامه، از نظرات متخصصان حوزه‌های روان‌شناسی و فلسفه به صورت همزمان استفاده شد.

کفایت یک مقیاس اندازه‌گیری، به عواملی از جمله ویژگی‌های فنی زیر مقیاس‌ها، میزان پایایی، روایی و قابلیت اجرای آن‌ها وابسته است (سامانی، ۱۳۸۷). از نظر فنی، زیر مقیاس‌های این پرسشنامه سؤالات نسبتاً کمی دارد که این ویژگی، اجرای مقیاس توسط پژوهشگران را تسهیل می‌کند.

نتایج تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد که مقیاس طراحی شده از روایی و پایایی مطلوبی بهره‌مند است و می‌تواند تصویر مقبول و قابل اعتمادی از این سازه ارائه کند. بنابراین، می‌توان از این مقیاس در پژوهش‌های مختلف، به منظور ارزیابی میزان تعهد اخلاقی دانشجویان استفاده کرد.

روا بودن، مهم‌ترین ویژگی است که در استفاده از یک مقیاس به آن توجه می‌شود. در این پژوهش، به منظور بررسی روایی مقیاس از روش‌های روایی محتوایی، روایی سازه، روایی واگرا و روایی همگرا استفاده شد. روایی محتوا بیان‌کننده این است که مواد یا محتوای مقیاس،

معرف خصوصیات مورد اندازه‌گیری است (کرلینجر^۱، ۱۳۹۰: ۱۳۳)، که با توجه به نظر متخصصان روان‌شناسی و فلسفه می‌توان نتیجه گرفت که این مقیاس از روایی محتوایی بهره‌مند است. علاوه بر این، هماهنگی ساختار عاملی این مقیاس با ساختار نظری آن، مهم‌ترین شاخص در تأیید روایی سازه برای این مقیاس محسوب می‌شود. در همین رابطه، کرلینجر (۱۳۹۰: ۱۴۹) بیان می‌کند که در رواسازی سازه، روش تحلیل عامل شیوه‌ای قدرتمند و مطلوب است. در این راستا، با توجه به شاخص‌های به‌دست آمده مانند ضریب KMO در خصوص کفایت ماتریس همبستگی مقیاس برای تحلیل عاملی، ضریب آزمون کرویت بارتلت، ارزش ویژه بالاتر از یک برای هر یک از عوامل، تعداد مؤلفه‌های موجود در نمودار اسکری و درصد واریانس تبیین شده توسط هر یک از عوامل استخراج شده، می‌توان ادعا کرد که این مقیاس از روایی سازه مطلوبی بهره‌مند است. علاوه بر این، از دیگر شاخص‌های روایی، وجود همبستگی پایین بین عوامل استخراج شده از یک مقیاس با یکدیگر و همبستگی نسبتاً بالای آن‌ها با نمره کل مقیاس است (آناستازی^۲، ۲۰۰۷) که از این منظر نیز، مقیاس مورد بررسی از روایی مقبولی بهره‌مند است. به باور آناستازی (۱۳۸۷) وجود ضریب همبستگی ضعیف بین عوامل یک مقیاس، بیان‌کننده روایی واگرا و وجود ضریب همبستگی قوی‌تر بین هریک از عوامل و نمره کل بیان‌کننده روایی همگرا است.

به منظور بررسی این مسأله که آیا ابزار مورد استفاده پایا است یا نه، از روش همسانی درونی استفاده شد. این روش بر یکنواختی اجزاء تشکیل‌دهنده یک مقیاس تأکید می‌کند. در این راستا، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که رایج‌ترین شاخص همسانی درونی است. نتایج به دست آمده نشان داد که ضریب پایایی برای تعهد اخلاقی معطوف به خود ۰/۸۸ و برای تعهد اخلاقی معطوف به دیگری ۰/۸۵ است. این ضریب برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ بود. به باور (دولیس، ۲۰۰۳؛ به نقل از پالانت، ۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰، یک مقدار ایده‌آل است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که پایایی مقیاس مورد استفاده برای هر یک از عوامل و نیز پایایی کل مقیاس در حد مطلوب و ایده‌آل است.

مطلوب بودن شاخص‌های روایی و پایایی به‌دست آمده، گویای توانمندی این مقیاس در

1. Kerlinger
2. Anastasi

سنجش و اندازه‌گیری میزان تعهد اخلاقی و ابعاد آن در جامعه دانشجویی ایران است. در عین حال، این پژوهش اولین تلاش در نوع خود برای تهیه ابزاری برای اندازه‌گیری تعهد اخلاقی محسوب می‌شود و می‌طلبد که کارهای بیشتری در این خصوص انجام شود و با گسترش مبانی نظری مفهوم تعهد اخلاقی، احیاناً نسبت به بسط مقیاس موجود، اقدامات جامع‌تری انجام شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود روایی و پایایی این مقیاس بر روی گروه‌هایی به غیر از گروه دانشجویی بررسی شود.



منابع

- آناستازی، آن (۱۳۸۷). *روان آزمایی*. ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: دانشگاه تهران.
- بریس، ن؛ کمپ، ر؛ سنلگار، ر (۱۳۸۸). *تحلیل داده‌های روان‌شناسی با برنامه SPSS*. ترجمه خدیجه علی‌آبادی و سید علی صمدی، تهران: دوران.
- پالانت، ج (۱۳۸۹). *تحلیل داده‌های علوم رفتاری با برنامه SPSS*. ترجمه اکبر رضایی، تبریز: فروزش.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۷). تهیه و طراحی مقیاس فرایندهای خانوادگی برای خانواده‌های ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲)، ۱۶۸-۱۶۲.
- کرلینجر، ف. آ (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. جلد دوم، ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.
- کورنر، اشتفان (۱۳۸۰). *فلسفه کانت*. ترجمه عزت الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- نیلسن، کی (۱۳۹۲). *مسائل فلسفه اخلاق در دانشنامه اخلاق*. ویراسته پل ادواردز. دونالد ام بورچرت. ترجمه انشالله رحمتی. تهران: سوفیا.
- Anastasi, A., Urbina, A. (2007). *Psychological testing*. Prentice Hall , US.
- Bankovsky, Miriam (2005). "Derrida Brings Levinas to Kant: The Welcome, Ethics, And Cosmopolitic". *Philosophy Today*; Summer 49, 2, 156- 170.
- Barber, Michael D, S.J.(2007). "Ethical Experience and the Motives for Practical Rationality: A Kantian/Levinasian Criticism of McDowell's Ethics", *International Philosophical Quarterly* Vol. 47, No. 4, Issue 188, 425- 441.
- Filipovic, Zlatan (2011) , "Introduction to Emmanuel Levinas: 'After you, sir!'", *Moderna språk*:1.
- Frimer, J.A., & Walker, L. J. (2009). Reconciling the self and morality: An empirical model of moral centrality development. *Developmental Psychology*, 45, 1669-1681.
- Hansel, Joelle (1999). "Utopia and reality: The concept of sanctity in Kant and Levinas", *Philosophy Today* 43.2, 168-175.
- Hardy, S.A., & Carlo, G. (2011). Moral Identity. In S.J.Schwartz, K. Luycks & V.L. Vignoles (Eds.), *Handbook of Identity Theory and research* (495-514). USA: Springer.
- Jay, Martin, edited by Sean Hand (2016). "The Levinas Reader: Hostage Philosophy Levinas's Ethical Thought", *Tikkun Magazin*, VOL. 31 , NO. 3, 71- 72.
- Levinas, Emmanuel (1974). *Otherwise Than Being, or, Beyond Essence*.

Translated by Alphonos Lingis, Duquesne University Press.

Moshman, D. (2005). *Adolescent Psychological Development*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

Waterman, A.S. (2011). Eudaimonic Identity Theory: Identity as Self-Discovery. In S.J. Schwartz, K. Luycks & V.L. Vignoles (Eds.), *Handbook of Identity Theory and research* (357-379). USA: Springer.



Developing Moral commitment Scale Based on Kant and Levinas Thoughts

Soheila Hashemi¹

Associate professor, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Mehdi Kenari

Assistant professor, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Abbas Akbari

PhD Student, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Saba Sebti

PhD, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract:

Moral commitment is of significant importance particularly in the field of conducting research. Due to its importance, developing a valid and reliable scale for measuring the construct is vital. The present research aimed at constructing a valid and reliable questionnaire for measuring moral commitment. The sample of the study included 278 undergraduate and graduate students of university of Mazandaran who were selected using cluster random sampling. Based on the related theoretical framework, an initial scale with 35 statements was developed and then tested. To analyze the data, factor analysis and independent samples t-test were used. The results of factor analysis confirmed the existence of two main factors underlying the scale including moral commitment with reference to self (13 items) and the other (12 items). The result of divergent validity was congruent with the findings of factor analysis. The reliability of items of the scale was assessed using Cronbach alpha and it turned out to be

1. soheilhashemi@yahoo.com

DOI: 10.22051/jontoe.2016.10114.1293

Received:2016/6/3

Accepted:2016/12/24

0.88 and 0.85 for the two factors respectively. The findings revealed that this instrument has goodness of fit and is a highly reliable and valid tool for assessing moral commitment in the related research.

Keywords: Moral commitment; Self; the Other

